

ایران

حضرت محمد(ص):

پارچ‌ترین مردم کسی است که آنچه را به او مربوط نیست رها کند.



سخن‌روز

نهج‌الفصاحه، ص ۶۸

نگاره



طراح: حمید صوفی



احسان مفیدی‌کیا منتقد



فیلم هم مثل نقاشی یا حتی سیاست، یک رسانه است! یک میانجی جذاب، یک قلمرو وسیع، نماینده گزاره‌هایی از واقعیت و یک پاراگراف بصری از متنی مفصل!

نقل قول

همه با افتخار فرزندان ایران هستیم

در انتخابات تفاوت دیدگاه بین هواداران نامزدها طبیعی است اما حواسمان به فردای دور نهایی باشد که فرد منتخب قرار است رئیس‌جمهور همه ایرانیان در همه دنیا باشد؛ چه به آن‌ها که به او رأی داده‌اند، چه کسانی که در انتخابات شرکت نکرده‌اند. التهايات ناشی از انتخابات، نباید اتحاد، انسجام و محبت‌مان نسبت به همدیگر را خدشه‌دار کند؛ چه در یک جبهه سیاسی باشیم، چه چند روزی رقیب باشیم، همه با افتخار فرزندان ایران هستیم و برای این مرز پرگهر تا پای جان می‌ایستیم و به گوری چشم دشمنان هر روز متحدتر و پیشرفته‌تر خواهیم بود.

از صحبت‌های محمد خراسانی‌زاده، مدیرکل هنرهای تجسمی باصبا

یادداشت

یادداشت‌های فلسفه فیلم مستند

آپارته‌چی در غار

برای تعریف فیلم مستند چه می‌توان گفت؟ اول لازم است بگوییم که این کار راحتی نیست و به سادگی یا به روش شهودی نمی‌توان از پس آن برآمد و نیاز به کند و کاو جدی دارد! آنطور که استنلی کاول استاد شهر فلسفه هنر گفته: «کویسی فیلم برای فلسفه ساخته شده است» حداقل برداشت ما علاقه‌مندان و منتقدان فیلم مستند می‌تواند این باشد که برای فهم چستی چنین آفرینش‌های هنری، باید سری به فلاسفه بزنیم.

اساساً کارکرد فلسفه فیلم مستند این است که به ما بگوید که یک فیلم مستند در پی چیست؟ چه هدفی دارد؟ و چه وظیفه‌ای برای خود ترسیم کرده است؟ پاسخ به این سؤالات به مستندساز کمک می‌کند تا بتواند محصول خود را به راه درستش بازگرداند و یک سری اصلاحات بنیادین در ماهیت اثر هنری خود داشته باشد. لازمه و مقدمه مطالعه در حوزه فلسفه فیلم مستند، پرداختن جدی به دوگانه افلاطونی «فلسفه و شعر» است و درک این نسبت به همه از جمله مستندسازان، تماشاگران و منتقدان کمک شایانی خواهد کرد. کمک به اینکه بدانند دقیقاً در فیلم‌های مستند چه رخ می‌دهد و سازگار آن چیست؟ با این پیشینه است که ما می‌توانیم بفهمیم اساساً ادعای مستندسازها، در بازنمایی واقعیت، حقیقت دارد یا نه! اگر هم حقیقت دارد، این ادعا چه چیزی را آشکار می‌کند و این آشکارسازی را چطور انجام می‌دهد؟ از کجا معلوم که اصلاً عبارت «مستند» یک لایه‌ای از ابهام برای درک درست ما از شباهت‌های اینگونه فیلمسازی با گونه داستانی نباشد؟ اساساً اینکه به یک فیلمی بگوییم فیلم مستند باعث نمی‌شود که بالقوه امکان فریب و دستکاری بیشتری از فیلم‌هایی که چنین صفتی را یدک نمی‌کشند، داشته باشد؟ پاسخ به این سؤالات کار فلسفه فیلم مستند است و البته خوب می‌دانیم که این کنجکاو‌ها نباید باعث شود که ما از میراث ارزشمند این رسانه بشدت قوی ناامید شویم و امکان فیلم مستند در کاوش در ابعاد و اعماق زندگی روزمره خود را نادیده بگیریم.

فلسفه فیلم، در یک نگاه کلی می‌تواند نقد افلاطونی هنر باشد و وقتی هنر و افلاطون را کنار هم می‌آوریم حتماً باید در زمینه و زمانه یونان باستان و مفهوم شعر در آن دوران توجه داشته باشیم. پژوهشگر در این حوزه به ما می‌گوید که فیلم چه کارکردی دارد؟ بیانگر چیست؟ دستاوردش چیست؟ کجا را روشن می‌کند و کجا در پی فریب ماست؟ حالا اگر به فلسفه فیلم

نقل قول

همه با افتخار فرزندان ایران هستیم



از صحبت‌های محمد خراسانی‌زاده، مدیرکل هنرهای تجسمی باصبا

یادداشت

یادداشت‌های فلسفه فیلم مستند

آپارته‌چی در غار



قید مستند را هم اضافه کنیم چه؟ مستند بودن چه ظرفیت‌های جدیدی یا یک فیلم می‌دهد؟ فیلم هم مثل نقاشی یا حتی سیاست، یک رسانه است! یک میانجی جذاب، یک قلمرو وسیع، نماینده گزاره‌هایی از واقعیت و یک پاراگراف بصری از متنی مفصل! و در همه این موارد امکان تحریف و دستکاری وجود دارد. حرف افلاطون هم همین است، فیلسوف اساساً به هنر مشکوک است که مبدا محصول هنری در پی فریب مخاطب خود باشد و بویژه در مورد فیلم مستند شاید نتواند ادعای بزرگ واقع‌نمایی و بازنمایی امر واقع را تحقق بخشد. اینجااست که فلسفه فیلم مستند کارش را آغاز می‌کند تا به نقد مدعی بپردازد. حالا این نقد فیلم مستند چیست؟ مثل بیشتر نقدهای فلسفی می‌شود درباره روش‌های بازنمایی بگوییم، اینکه فیلم مستند چطور می‌خواهد ادعای بزرگ «بجزیره‌ای رو به واقعیت» را جامه عمل بپوشاند! همین اصطلاح به ظاهر صادق و ساده که برای فیلم مستند مورد پذیرش عمومی قرار گرفته، آیا یک گزاره قابل بحث نیست؟ این پنجره استعاری نمی‌تواند باعث گمراهی باشد؟ شاید این نور سرسوزنی که از پشت سر بریده روبه رو می‌تابد و این سایه‌های موهومی که روبه روی ما بازی می‌کنند و ما مسخ شده به آنها نگاه می‌کنیم تنها نور لرزان آتشدانی باشد که زندانبانان، عروسک خیمه شب بازی خود را جلوی آن گرفته تا ما را با آن سرگرم کند که سربرنگردانیم که خود واقعیت را ببینیم! شاید لازم باشد از این غار تاریک، از این سالن مسحورکننده بیرون بزنیم، شاید اصلاً این سایه‌ها نتوان نمایندگی امر واقع را نداشته باشند! مبدا آپارته‌چی همان زندانبان است و نگاتیو همان عروسک‌ها، مبدا این توهم دانایی که از فیلم‌ها می‌گیریم یکسر حجاب ما از حقیقت باشد و بیشتر مانع ما شود؟

عکس نوشت



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



من به هیچ وجه چیزی را مسخره نمی‌کنم. این قدرت را دارم به چیزی که نمی‌توانم درک کنم احترام بگذارم.

عقاید یک دلقک هاینریش بل

دریچه

کنار هم بایستیم

ا-که شما بی بصیرتا نامزد اصلاح رو تشخیص می‌دادین ...
ا-که نامزد قدرت‌طلبتون کنار می‌کشید...
ا-که آخرتتون رو خرج این تدرروها نمی‌کردین ...
ا-که نمی‌داشتین کار به دور دوم بکشه ...
من هیچ کدوم این جمله‌ها رو به هیچ‌کس نمی‌گم. من هیچ‌کس رو بابت اسمی که روی برگه‌آی نوشته سرزنش نمی‌کنم. این به این معنی نیست که حزب‌بادطور، به هر انتخابی احترام می‌دارم، نه! ولی معنای بزرگ‌تر و مهم‌تری پشت هر رأی هست که اول باید اونو ببینیم.

کسی که اومده رأی داده، برای ایران اومده، برای آینده، برای امید. از فردای انتخابات، هیچ‌کس حق نداره به دیگری بگه چرا فلانی رو انتخاب کردی؟ توضیح رأی‌تا روز قبل انتخاباته. همه صغری‌کبری‌آوردنا مال قبل صندوقه. بعدش، من رأی‌دهنده به فلانی و تو رأی‌دهنده به بهمانی نیستیم. ما رأی‌دهنده به ایرانیم.

کسی که بابت هر نتیجه‌ای در انتخابات، بقیه رو تخطئه می‌کنه، باید به دور بعدی انتخابات فکر کنه.



باید از خودش برپرسه آدمایی که بهشون شرم و عذاب وجدان و احساس گناه دادم، دفعه بعد میان پای صندوق یا از ترس اینکه اشتباه انتخاب نکنن و دوباره بازخواست نشن، ترجیح می‌دن رأی ندن!؟

وقتی به هر کس که انتخابی چیز نامزد مدنظر ما داشته، انگ می‌چسبونیم و منتخبش هر اشتباهی کرد پای رأی‌دهنده‌اش رو وسط می‌کشیم، داریم نامزد غیرمعموم خودمون رو تقدیس می‌کنیم. داریم جرأت انتخاب و آزادی بیان رو از بقیه می‌گیریم. آدمای وقتی از انتخاب بترسن، دیگه مشارکت نمی‌کنن. اون‌وقت بار قهر مردم با صندوق، روی دوش کسانی میفته که فکر می‌کردن دارن به انتخاب اصلاح و پرشورشدن انتخابات کمک می‌کنن!

آدمای باید مسئول انتخابشون باشن، اما پیش خودشون، در قلب خودشون. ما نباید همدیگه رو ملامت کنیم وقتی هرکس به تشخیص خودش عمل کرده. از امروز، تو برای من طرفدار جلیلی/قالیباف/پزشکیان نیستی، تو هم‌وطنی، تو کسی هستی که باوجود همه فشارها و دعوای و خستگی‌ها و ناامیدی‌ها اومدی پای صندوق و هزینه انتخاب رو پذیرفتی.

حتی‌اگر انتخاب کاملاً با تفکر من زاویه داشته باشه، برام محترم و عزیز. ممنونم که برای کشورمون اومدی وسط میدون. ممنونم که پای ایران ایستادی و فهمیدی رأی تو خیلی فراتر از انتخاب به رئیس‌جمهوره. ممنونم که فهمیدی رأی تو پشتوانه استقلال مین ماست. بیا کنار هم بایستیم، نه مقابل هم. آدمای پشت میز عوض می‌شن. این من و تویم که ده‌های عمر خودمون و بچه‌هامون رو توی این خاک می‌گذرونیم. به قدر کافی به تن‌وحدتون خنجر زدن. بیا ما به صورت هم خنجر نکشیم. ما فراره شون‌به‌شون‌ه‌هم، دم خیمه بزرگ‌تری جمع بشیم.



پرستو علی‌عسگرنجاد نویسنده



از امروز، تو برای من طرفدار جلیلی/قالیباف/پزشکیان نیستی، تو هم‌وطنی

نوشته کوتاه یامین پور درباره انتخابات

وحید یامین‌پور، نویسنده و مجری تلویزیون با اشاره به برخی توییت‌های این روزهای فضای مجازی درباره نتایج انتخابات که احتمالاً خطاب به طرفداران کاندیداهای حذف شده از دوره نخست است نوشته: «عزیزان! اگر هستید اگر توییت شما نقره باشد، نزدن طلاست. به رضای خدا و مصلحت ایران ببندیشید.»

یادی از شهدای خدمت

نغمه مستشار نظامی، شاعر و مترجم با انتشار تصویری از زنده‌یاد امیر عبداللهیان و بازنشر شعری در گرامیداشت وی نوشته: «چقدر جای شما خالی است، امیرغیرت و عزت». این روزها و هم‌زمان با شورش واشتتایقی که برپایی چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بر جامعه حاکم کرده، برخی اهالی فرهنگ و ادبیات به بهانه‌های مختلف یاد شهدای خدمت را گرمی داشته‌اند و در وصف جای خالی آنان نوشته‌اند.

نوشته تأمل برانگیز سعید مستغاثی

سعید مستغاثی، مستندساز و منتقد سینما هم در واکنش به رفتار ضدانقلابی‌ها در توهین به ایرانیان ساکن دیگر کشورها که برای حضور در انتخابات ریاست جمهوری پای صندوق‌های رأی رفته‌اند نوشته: «همچنان زامبی‌های خارج‌نشین در کنار اسرائیلی‌ها هستند. ترکیب این دو پدیده، موجودات رقت‌انگیزی می‌شوند که تنها می‌توانند فحاشی کنند.» او در استوری دیگری نوشته: «زامبی‌هایی که همواره در خارج کشور در مقابل رأی‌دهندگان بی‌محایا جلو آمده و چنگ و دندان نشان می‌دادند این مرتبه را اغلب جاها روی پنهان کرده یا پشت به دوربین بودند. انگار بدجوری ماست‌ها را کیسه کرده‌اند.» مستغاثی در کتابیه به ادعای برخی از این افراد، تصویری از حضور مردم در مسجدالنبی میدان هفت حوض، نارمک منتشر کرده که نشان می‌دهد برخلاف گفته‌های دشمنان کشور، مردم تا ساعت‌های پایانی فرصت اعلام شده نیز پای صندوق‌های رأی رفته‌اند.

او در بخش دیگری، تصویری از مخالفان را منتشر کرده که در برلین، کنار پرچم رژیم صهیونیستی جمع کرده‌اند و نوشته: «چرا در اغلب جاها، زامبی‌های خارج کشور در زیر پرچم اسرائیل تجمع می‌کنند؟ در حالی که امروز هیچ‌کس در دنیا حاضر به قبول چنین ننگی نیست و حتی اسرائیلی‌های مخالف نتانیاهو در اسرائیل هم آن را بر نمی‌تابند!»

مردم روستای کوهپایه‌ای جهان‌نما شهرستان کردکوی استان گلستان با حضور صندوق‌سیار عصر جمعه ۸ تیر ماه رأی خود را برای چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به صندوق انداختند.

عکس: مهر

